

## فهرست مطالب

۲	..... دربارہ استان آذربایجان شرقی
۷	..... دربارہ تبریز
۱۴	..... مشاہیر استان



**TABRIZ-2018**  
the Capital of Islamic Tourism  
بیایخت گدردت گری کتورہاک اسلامے

# درباره استان آذربایجان شرقی

## پیشینه تاریخی استان آذربایجان شرقی

### -تاریخچه آذربایجان قبل از اسلام

استان آذربایجان شرقی بخشی از سرزمین باستانی ماد است تا روزگار اسکندر و جانشینان وی آذربایجان را بخشی از ماد یا ماد کوچک می نامیدند. لیکن در زمان اسکندر مقدونی بر ایران در سال (۳۳۱ ق.م) سرداری به نام آتور پات یا آتروپاتن که شهربان منطقه ماد کوچک بود در این سرزمین قیام کرد و آنگاه با انعقاد عهدنامه ای از واگذاری آذربایجان به دست یونانی ها جلو گیری نمود و اسکندر بدین شرط که آتروپات خود را تابع امپراتوری وی بداند او را در آنجا باقی گذارد. پس از مرگ اسکندر که خونریزی در بین جانشینان وی در گرفت ، آتروپات به حکمرانی این منطقه رسید و به پاس خدمات وی از جلوگیری اعمال نفوذ بیگانگان در این منطقه ماد کوچک را بنام سردار آتروپات خواندند و سپس به اسامی مختلف ، آذر بادگان و آذربادگان معروف شد.

در روزگار ساسانیان آذربایجان یکی از ایالات مهم ایران و به قول یونانی ها ساتراپ نشین بوده که به علت وجود آتشکده معروف آذر گشسب و آتشکده های دیگر ، به نام آذربایجان معروف شد.

### -تاریخچه آذربایجان بعد از اسلام

آذربایجان در دوره اسلامی یکی از مهمترین ایالات ایران محسوب می شد و از زمان زوال ساسانیان تا امروز مرکز حوادث بسیاری بوده و نقش بزرگی در جریان تاریخ داشته است.

با حمله مغولان و با ورود هلاکوخان ، آذربایجان مرکز شاهنشاهی مغولان از خراسان تا شام شد. پس از مغولان و خاندان ترکان قره قیونلوها و آق قیونلوها بر این منطقه تسلط یافتند و بعد شاه اسماعیل اول تبریز را پایتخت ایران اعلام کرد . بعد ها در دوره قاجار و در زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار بخشی از آذربایجان طی عهد نامه های به روسیه واگذار شد .از نام های دیگر این سرزمین ایرانویچ ، آذرگشسب و آتورپادگان است . بعد از فتحعلی شاه ، شهر تبریز ولیعهد نشین شد و احمد شاه و ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و بالاخره محمدعلی شاه دوران ولایت عهدی خود را در این شهر گذراندند. رضاخان در سال ۱۳۰۰ شمسی سیطره حکومت مرکزی ایران را بر این منطقه برقرار کرد. با شروع جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۲۰ شمسی، نیروهای شوروی وارد ولایات شمالی ایران از جمله آذربایجان شدند. این نیروها در اردیبهشت ماه ۱۳۲۵ شمسی به دنبال طرح مسئله آذربایجان در سازمان ملل

متحد، آذربایجان را تخلیه کردند. مردم آذربایجان در جریان ملی شدن صنعت نفت در سال ۱۳۲۹ شمسی مبارزه را علیه استعمار انگلیس آغاز کردند و سرانجام با پیروزی، انگلیس شکست خورد.

### -سیر تحولات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آذربایجان

خطه آذربایجان از کهن ترین تمدن های ایرانی بوده و جایگاه استواری در تمدن باستانی ایران دارد. تبریز مرکز تاریخی این خطه، شهری است کهن که اولین نشانه های تاریخی آن به هشت قرن قبل از میلاد مسیح مربوط می شود جایی که در کتیبه سارگن دوم پادشاه آشوری از فتح آن یاد می شود. به روایت تاریخ، آذربایجان در زمان های بسیار دور مسکونی بوده و از فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و صنعتی چشمگیری (به لحاظ واقع شدن بر سر راه جاده ابریشم) برخوردار بوده است، به گونه ای که دانشمندان باستان شناس، بافت قدیمی ترین فرش بافته شده (فرش پازیرک) را به این منطقه نسبت می دهند.

همچنین براساس مشاهدات و نوشته جهانگردان و سیاحان معتبری چون یاقوت حموی، مارکوپولو، ابن بطوطه و ... شهر تبریز دارای بازارهای متعدد بوده و مصنوعات تولیدی آن به اقصی نقاط جهان صادر می شده است. رونق بازار تبریز و اقتصاد جاری در شهر در طول قرون گذشته، شهر را به جولانگاه تجارت و عرضه و تقاضای بین المللی درآورده و از قبال آن مردمی غنی، ثروتمند و قدرتمند داشت. از نظر فرهنگی نیز علاوه بر صنعت چاپ، کتب خارجی نخستین بار در این شهر به فارسی برگردانده شده و فن ترجمه در این شهر پا گرفته است.

نخستین دایره المعارف در دنیای اسلام و مسیحیت، اولین کتابخانه عمومی، نخستین سینما و تئاتر، فن عکاسی، فرش نوین، نخستین رمان، ادبیات کودکان، روزنامه نگاری ملی، شعر نو و نقد ادبی در این شهر پا گرفته و ره آورد مردمان پیشگام این دیار بوده است.

در زمینه علم و دانش نوین، فرزندان این خطه، طلایه داران پزشکی مدرن، کشاورزی مکانیزه، هوانوردی، راه و ساختمان سازی، ایجاد ضراب خانه، ایجاد نخستین کارخانه ها، نخستین شهرداری، تجارت نوین (نخستین اتاق بازرگانی)، نخستین شرکت سهامی عام و بالاخره نخستین مرکز خدمات سرمایه گذاری می باشند.

### -نژاد، زبان و مذهب ساکنین آذربایجان

آذری ها، اصیل ترین افراد ایرانی هستند که سه تا چهار هزار سال پیش به این سرزمین مهاجرت کرده اند. این عده به دو دسته پارت و ماد تقسیم شدند، که در قسمت های مختلف ایران ساکن شدند از آن جمله مادها که در آذربایجان سکونت گزیدند. زبان مردم آذربایجان، ترکی آذربایجان بوده و این زبان در اثر گذشت زمان در مسیر

تکامل خود به واسطه ارتباط نزدیک با دیگر اقوام ساکن ایران زمین از قبیل فارس ها، اعراب، ارمنه، گرجیها، کردها و دیگر اقوام از نظر لغوی و دستوری بسیار گسترده تر گردیده است. زبان کنونی مردم تبریز آذری می باشد. دین های رایج در آذربایجان از ابتدا تاکنون آئین های اولیه آریایی ها (دیوپرستی و مهرپرستی)، زرتشتی، یهودی، مسیحیت و اسلام بوده اند. از نظر مذهب، ۹۸ درصد مردم استان مسلمان و دارای مذهب شیعه جعفری می باشند و اقلیتی از مسیحیان که اکثراً ارمنی و گریگوری مذهبند در تبریز زندگی می کنند.

## موقعیت جغرافیایی استان آذربایجان شرقی

منطقه آذربایجان به علت موقعیت خاص جغرافیایی، یکی از مناطق حساس و مهم کشور است. استان آذربایجان شرقی از استان های مهم و پرجمعیت ایران است که در گوشه شمال غرب کشور واقع گردیده است. مساحت این استان ۴۵۴۹۱ کیلومتر مربع است که حدود ۲,۸ درصد از مساحت کل کشور را شامل می شود. این استان از نظر موقعیت طبیعی در محل به هم خوردگی دو رشته کوه البرز و زاگرس، به عبارتی در زون البرز و آذربایجان و در گوشه شمال غرب فلات ایران واقع شده است. از نظر تقسیمات حوضه های آبریز کشور، حوضه های آب خیز ارس، سفیدرود - قزل اوزن و دریاچه ارومیه پهنا استان را پوشش می دهند که بیشترین مساحت استان در محدوده حوضه آبریز دریاچه ارومیه قرار گرفته است. در حالت کلی، استان آذربایجان شرقی یک منطقه کوهستانی محسوب می شود که حدود ۴۰ درصد از سطح آن را کوهستان فرا گرفته است. از مناطق کوهستانی معروف منطقه، می توان توده آتشفشانی سبلان در شرق و سهند در غرب و جنوب غربی و رشته کوه های قره داغ در شمال و رشته کوه های تخت سلیمان و اربط در جنوب و ارتفاعات بزقوش در جنوب شرق و قوشاداغ در شمال شرق استان را نام برد.

### -مرزهای استان

استان آذربایجان شرقی از ناحیه شمال، با کشورهای آذربایجان، ارمنستان و جمهوری خودمختار نخجوان (وابسته به کشور آذربایجان) به طول ۲۳۵ کیلومتر دارای خط همجواری است که مرز مشترک این استان با کشورهای فوق را رود ارس تشکیل می دهد. در حال حاضر ارتباط استان با کشورهای همجوار در طول این مرز تنها از سه نقطه جلفا، خداآفرین و کردشت (مرز نوردوز) انجام می گیرد که در این میان جلفا از اهمیت خاصی برخوردار است. همچنین آذربایجان شرقی به دلیل داشتن اشتراکات فراوان با کشورهای همسایه یکی از مهم ترین مناطق کشور در روابط خارجی محسوب می شود. این استان از ناحیه غربی و جنوب غربی با آذربایجان غربی همجوار می باشد. در جنوب خود با استان زنجان و از ناحیه شرقی نیز با استان اردبیل حدود ۴۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارد.



#### اقلیم و آب و هوای استان و سیمای طبیعی آن

آب و هوای آذربایجان شرقی به طور کلی سرد و خشک است ولی به علت تنوع توپوگرافیکی از اقلیم‌های متفاوتی برخوردار است. این استان همواره تحت تأثیر بادهای سرد شمالی و سیبری و بادهای مرطوب دریای سیاه و مدیترانه و اقیانوس اطلس قرار گرفته است؛ به علاوه، بادهای محلی نیز تحت تأثیر شرایط طبیعی استان از سوی کوهستان‌های بلند و دریاچه‌های ارومیه و خزر به سوی دشت‌ها و جلگه‌ها می‌وزند. آذربایجان شرقی یک منطقه سردسیر و کوهستانی است و از لحاظ تقسیم‌بندی‌های اقلیمی جزو مناطق نیمه‌خشک به حساب می‌آید و میانگین بارندگی سالیانه آن ۲۵۰ الی ۳۰۰ میلی‌متر است.

موقعیت کوهستانی و عرض جغرافیایی استان از عوامل برودت و سرمای اعظم این منطقه است. کم‌ارتفاعی و اثرات ملایم‌کننده بخارهای دریای خزر در پاره‌ای از مناطق از عوامل اعتدال اقلیمی آن به شمار می‌آید. به علاوه آذربایجان تا حدودی تحت تأثیر جریان‌های مرطوب دریای مدیترانه از سمت غرب و جنوب غربی قرار دارد و توده‌های هوای سرد سیبری نیز از شمال بر آب و هوای آن اثر می‌گذارد. تبریز نیز دارای هوایی کم‌رطوبت بوده و حد متوسط بارندگی آن در سال ۲۸۵ میلی‌متر است. این جلگه در اثر ارتفاعی که از سطح دریا دارد، دارای زمستان‌های طولانی و سرد و تابستان‌های معتدل است.

علاوه بر پوشش گیاهی متنوعی که در فضاهای جلگه‌ای، دره‌ای و کوهستانی استان وجود دارد، جنگل‌های مترکمی نیز نقاط مختلف استان را پوشانده است. در شمال ارسباران، دره ارس و شهر ورزقان، کوه‌های قازان‌داغی و قندراتباشی واقع شده است که پوشیده از درختان جنگلی و مراتع کوهستانی است. کوه‌های گویچه‌بئل پوشیده از درختان نیمه‌جنگلی و مراتع سرسبز و خرم است و در جنوب غربی اهر واقع شده است. این مکان کوهستانی، بیلاق ایلات قره‌خانلو و مددلو است. بیشترین گونه‌های درختی که در جنوب غربی اهر مشاهده می‌شود، بلوز و ممرز است. جنگل‌های شهرستان‌های مراغه و هشترود نیز از نظر درجه اهمیت در مرتبه بعدی قرار دارند. این جنگل‌ها که از وسعت کمتری نسبت به جنگل‌های ارسباران برخوردار است عمدتاً از درختچه گز تشکیل شده است.

### -حوضه‌های آبریز استان

از نظر تقسیمات حوضه‌های آبریز کشور، حوضه‌های آبخیز ارس، سفیدرود، قزل‌اوزن و دریاچه ارومیه پهنه استان را پوشش می‌دهند که بیشترین مساحت استان در محدوده حوضه آبریز دریاچه ارومیه قرار گرفته است. در حالت کلی، آذربایجان شرقی یک منطقه کوهستانی محسوب می‌شود که حدود ۴۰ درصد از سطح آن را کوهستان، ۲۸,۲ درصد را تپه ماهورها و ۳۱,۸ درصد را زمین‌های هموار (دشت‌ها و جلگه‌های میان‌کوهی) فرا گرفته است. رودخانه ارس از محدوده سه استان آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و اردبیل می‌گذرد که برای هر سه استان شاه‌رگ حیاتی محسوب می‌شود. دریاچه ارومیه و حوضه آبریز آن که بیشترین سطح استان را تحت پوشش قرار می‌دهد از منابع طبیعی مشترک با استان آذربایجان غربی محسوب می‌شود. حوضه آبریز سفیدرود قزل‌اوزن که پهنه جنوب شرقی استان را تحت پوشش قرار داده از اشتراکات طبیعی مابین استان‌های اردبیل و زنجان و آذربایجان شرقی می‌باشد.



# درباره تبریز



تَبْرِیزُ یکی از شهرهای بزرگ ایران و مرکز استان آذربایجان شرقی است. این شهر بزرگ‌ترین شهر منطقه شمال غرب کشور و قطب اداری، ارتباطی، بازرگانی، سیاسی، صنعتی، فرهنگی و نظامی این منطقه شناخته می‌شود. براساس آخرین سرشماری مرکز آمار ایران که در سال ۱۳۹۰ صورت گرفته، شهر تبریز با جمعیتی بالغ بر ۱۴۹۴۹۹۸ نفر چهارمین شهر پرجمعیت ایران پس از شهرهای تهران، مشهد و اصفهان محسوب می‌گردد. این شهر به دلیل جای دادن بسیاری از کارخانجات مادر و بزرگ صنعتی در خود و نیز وجود بیش از ۶۰۰ شرکت قطعه‌ساز در آن، دومین شهر آلوده و نیز دومین شهر صنعتی کشور پس از تهران به‌شمار می‌رود و به دلیل صنعتی‌بودن، یکی از مهم‌ترین شهرهای مهاجرپذیر ایران محسوب می‌شود. پس از بهره‌برداری از آزادراه نبی‌اکرم، میزان مسافرپذیری تبریز روبه افزایش نهاد و این شهر پس از مشهد به‌عنوان دومین شهر مسافرپذیر کشور مطرح گردید. به جهت ریشه‌کنی تکدی‌گری از تبریز، این شهر به‌عنوان شهر بدون گدا شناخته می‌شود .

شهر تبریز در غرب استان آذربایجان شرقی و در منتهی‌الیه مشرق و جنوب شرق جلگه تبریز قرار گرفته‌است. این شهر از سمت شمال به کوه‌های پکه‌چین و عون بن علی، از سمت شمال شرق به کوه‌های باباباگی و گوزنی، از سمت شرق به گردنه پایان و از سمت جنوب به دامنه‌های کوه سهند محدود شده‌است. آب و هوای تبریز در

زمستان‌ها بسیار سرد و در تابستان‌ها خشک و گرم است؛ اگرچه حرارت به‌دلیل نزدیکی به کوه سهند و وجود باغ‌های زیادی در پیرامون شهر تعدیل می‌گردد.

نام تبریز در کتاب‌ها و اسناد تاریخی تحت نام‌های مختلفی نظیر «تورز»، «تورژ»، «تبریز» و «توری» به ثبت رسیده‌است. این شهر در طول تاریخ بارها ویران و تجدید بنا شده‌است. بنای تبریز به دوران اشکانی و ساسانی برمی‌گردد؛ البته در آغاز دوران اسلامی روستای کوچکی بیش نبوده‌است. این شهر در طول حکومت چهارصدساله خاندان «روادی» و اسکان قبیله عرب «أزد» به شکوفایی رسید. اوج شکوفایی تبریز در زمان ایلخانان بود که در این زمان، این شهر پایتخت قلمرویی پهناور از نیل تا آسیای مرکزی بوده‌است. شهر تبریز در سده‌های گذشته شاهد حوادث متعددی از قبیل اشغال توسط بیگانگان و زمین‌لرزه‌های مهلک بوده‌است. این شهر پایتخت آق‌قویونلوها و قراقویونلوها، نخستین پایتخت حکومت صفویه و آغازگر انقلاب مشروطه برعلیه استبداد محمدعلی شاه بوده‌است.

شهر تبریز نخستین پایتخت جهان تشیع است. و به سبب موقعیت مناسب خود، در گذشته از مراکز تجاری منطقه بوده و هم‌اکنون نیز یکی از مراکز مهم صنعتی در سطح ایران محسوب می‌شود. این شهر در دو سده اخیر، مبدأ بسیاری از تحولات اجتماعی، فرهنگی و صنعتی در کشور بوده و نقشی کلیدی در تحولاتی مانند انقلاب مشروطیت، انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ و مدرنیزه‌کردن ایران داشته‌است. مردمان تبریز هم‌اکنون به زبان ترکی آذربایجانی تکلم می‌نمایند؛ هرچند اسناد و شواهد موجود نشان می‌دهد که پیش‌تر زبانی ایرانی با ریشه غیرترکی در این شهر تکلم می‌شده‌است.

### وجه تسمیه

به‌گفته ولادیمیر مینورسکی، ایرانشناس، یاقوت حموی در «معجم‌البلدان» گزارش می‌دهد که نام شهر در زمان دیدار یاقوت از تبریز در زبان محلی «تبریز» تلفظ می‌شده‌است. مینورسکی معتقد است که تلفظ تبریز باید به‌گوش ایرانی آذری قدیم تعلق داشته باشد. این‌گوش به‌گوش‌های موسوم به‌گوش‌های ایرانی جنوب دریای خزر وابسته‌است. یا به‌احتمال بیشتر، تلفظ تبریز معرب شده نام شهر در باب فعلیل (در عربی) است. همچنین شیوه نگارش نام این شهر در (زبان) ارمنی و تجزیه و تحلیل صیغه ارمنی، نمایانگر وابستگی واژه توریز به‌زبان پهلوی شمالی می‌باشد. مینورسکی در پایان چنین نتیجه می‌گیرد که این مسأله نشان می‌دهد که ریشه نام شهر به زمان‌های بسیار دور، اوایل سلسله ساسانی یا شاید قبل از اشکانیان برمی‌گردد. بنابر گفته مصطفی مؤمنی در دانشنامه اسلامی، اهالی بومی آذربایجان، تبریز را توری (چشمه یا رود گرم) می‌خوانده‌اند. تا اوایل قرن چهاردهم خورشیدی نیز، روستاییان اطراف تبریز، این شهر را توری می‌نامیده‌اند. حتی در حال حاضر، مردمان قنبرآباد در اطراف تبریز، به‌این شهر توری می‌گویند. «در نوشته‌های کهن (برای نمونه ابوالفداء) نام این شهر به‌شکل «توریز» آمده‌است و هنوز هم در زبان‌های کردی و تاتی «توریز» و «توری» به‌کار می‌رود. لرد کرزن نیز تبریز را کلمه‌ای



آریایی مستخرج از تب به معنای «گرم و نیم گرم» و رز و ریز و رش از مصدر «ریختن» می‌داند و آنرا به سبب وجود چشمه‌های آب گرم مجاورش «گرم‌ریز» معنی کرده‌است. ویلهلم آیلرس - زبان‌شناس آلمانی - یافتن ریشه دقیق واژه تبریز را دشوار دانسته و احتمال داده‌است که تبریز از دو بخش تب و رز، به معنای «رود آب گرم» تشکیل شده‌باشد. تب یا تف به معنای «گرم» (مثلاً در تفتان) و ریز به معنای «جریان داشتن چشمه و جوی» است؛ «کاریز» و «تبریز». در تقویم البلدان (تألیف در ۷۲۱ هجری) در دوجا آنرا «توریز» آورده‌است و در تالی کتاب وفیات الاعیان، تألیف ابن صقاعی نیز «توریز» آمده‌است. در نسبت بدین نام، «توریزی» می‌نوشته‌اند؛ چنانکه ابن بطوطه از شخصی منسوب به توریز نام برده‌است: «موکل بنا امیر جلال‌الدین بن الفلکی التوریزی است». فاوست بیزانی در قرن چهارم میلادی، تبریز را «تورژ» و «تورش»، اسولیک در قرن یازدهم میلادی، نام این شهر را «تورژ» نوشته‌است و واردان در قرن چهاردهم میلادی آنرا «تورژ» و «دورژ» ذکر کرده‌است. گویا دورژ اخیر از لهجه عامیانه ارمنی مشتق شده‌است و اصل کلمه، «د-ای-ورژ» به معنای «این برای انتقام است» بوده‌است. بر طبق پاره‌ای منابع، این شهر در سال ۲۴۶ میلادی «شهبستان» نامیده می‌شده‌است و توسط تیرداد سوم، حکمران اشکانی تبار منطقه، به تورژ تغییر نام داده‌است.

در دانشنامه اسلامی، در پایان نتیجه‌گیری می‌شود که با توجه به منابع ارمنی که نام شهر را در قرن پنجم (بلکه چهارم) میلادی، «تورژ» دانسته‌اند و این که به فارسی هم تورز تلفظ کرده‌اند و با توجه به معنای متداول فارسی «تبریز» و «تب‌پنهان‌کن» و به قول اولیای چلبی «سِتمه دوکوجو» (ستمه: تب، دوکوجو: ریزنده) است و احتمالاً نام تبریز، «پنهان‌کننده تف و گرما» و با «جنبش‌های آتشفشانی کوه سهند مرتبط بوده‌است.

دانشنامه بریتانیکا نیز نظری مشابه دارد و تبریز را در اصل «تب + ریز» می‌داند، چیزی که باعث روان شدن گرم می‌شود که احتمالاً به خاطر چشمه‌های آب گرم اطراف آن است.

در مورد نام شهر توجیه مصطلح ولی عامیانه دیگری وجود دارد. حمدالله مستوفی درباره وجه تسمیه تبریز می‌نویسد: «بنای تبریز از زبیده (زن هارون‌الرشید) است. وی به بیماری تب نوبه مبتلا شده بود؛ چند روزی در آن حوالی اقامت کرده، در اثر هوای لطیف و دل‌انگیز آن جا بیماری وی زایل شده، فرموده شهری در آن محل بنا کنند و نام آنرا تبریز بگذارند». هر چند احمد کسروی در کتاب آذری یا زبان باستان آذربایجان توجیه اخیر را عامیانه و نادرست می‌داند.

شهر تبریز شهر تاریخ‌ساز، شهر حماسه‌ها و شهر اسطوره‌ها و شهری است که بر دامنه کوه سرخاب واقع گشته که به قولی نامش (توریس یا تاوریس) برگرفته از نام این کوه سرخ‌فام بوده‌است. این شهر به دلیل شرایط خاص جغرافیایی و طبیعی از اهمیت بالایی اقتصادی و سیاسی برخوردار است و پیدایش تمدن‌های باستانی نظیر سان‌ها و مادها در دوره‌های پیش از تاریخ گواهی این ادعا است.

کاوش‌های اخیر باستان‌شناسی در محوطه مسجد کبود وجود تمدن و فرهنگ بیش از ۴۵۰۰ ساله را در این شهر به اثبات رسانده و در صورت کشف محل دژ (تاروئی تارماکیس) در محدوده فعلی شهر تبریز بر اهمیت تاریخی آن افزوده خواهد شد.

براساس نوشته‌های مورخان و جهان‌گردان در سده‌های بعد از اسلام، تبریز نه تنها از شهرهای مهم و معتبر آذربایجان، بلکه از شهرهای مهم کشور نیز بوده‌است. عبور جاده ابریشم از نزدیکی آن موجب شکوفایی اقتصادی و فرهنگی گردیده و ارتباطات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی موجبات تغییر و تحول فرهنگ، تمدن و آداب و رسوم مردم این سرزمین گردیده و مقدمات ایجاد بسیاری از علوم، مکاتب، موسسات و نهادهای مدنی برای اولین بار در کشور را به ارمان آورده‌است و نام شهر تبریز را به‌عنوان «شهر اولین‌ها» در کشور بلند کرده‌است. اولین مدرسه، اولین کتابخانه، اولین بیمارستان، اولین نشریه، اولین تئاتر، اولین بلدیه و... در این شهر بوده‌است.

### پیشینه تبریز:

ارتباط شهر تبریز با گروهی از شهرها و قلعه‌های همزمان با دوران مادها، در میان محققین مورد مشاجره فراوان قرار گرفته‌است. تعدادی از محققین بر این عقیده‌اند که دژ «تارویی-تارمکیس»، که نام آن در کتیبه سارگن دوم -پادشاه آشور در بین سال‌های ۷۰۵ تا ۷۲۱ پیش از میلاد مسیح آمده‌است، در محل شهر کنونی تبریز قرار دارد. این دژ بنا بر کتیبه سارگن، محل نگه‌داری اسب‌های ذخیره سواران اورارتو بوده‌است که در حمله آشوری‌ها ویران شده‌است.

شهر کنونی تبریز بر روی خرابه‌های شهر «تورژ» (بارها) بنا شده‌است. تورژ یکی از بااهمیت‌ترین مراکز بازرگانی منطقه بوده‌است و به‌عنوان پل ارتباطی میان شرق و غرب اهمیت فراوانی داشته‌است. این شهر در زمان حکمرانان اشکانی تبار ارمنستان، پایتخت این منطقه بوده‌است. هرچند ولادیمیر مینورسکی در دانشنامه اسلام این نظریه را رد کرده و بیان می‌کند این داستان که شاه اشکانی تبار ارمنستان به‌خاطر انتقام کشته‌شدن اردوان (آخرین پادشاه اشکانی) به‌دست اردشیر بابکان (بنیان‌گذار سلسله ساسانی) تبریز را اشغال کرده و این شهر را پایتخت ارمنستان قرار داده‌است، تنها براساس نوشته‌های واردان -تاریخ‌نگار ارمنی در قرن چهاردهم میلادی- در منابع قدیمی به چنین چیزی اشاره نشده‌است و این روایت ریشه‌ای عامیانه دارد.

در کتاب تاریخ ایران (چاپ دانشگاه کمبریج) آمده‌است که شهر تبریز در اوایل دوره ساسانی (سده سه یا چهار میلادی) بنا شده‌است و یا به احتمال بیش‌تر در سده هفتم این واقعه روی داده‌است.

از فتح آذربایجان توسط اعراب تا ایلخانان

در زمان فتح آذربایجان به دست اعراب در سال ۲۲ هجری، آن گونه که در کتاب فتوح البلدان بلاذری آمده است، توجه سپاه اعراب بیش تر متوجه شهر اردبیل بوده است و حتی نامی از تبریز در فهرست شهرهایی که مرزبان پارسی از آن ها سر باز گیری کرده بود، نیامده است. چنین پیداست که تبریز همان گونه که «فاستوس بیزانسی» اشاره کرده است، در قرن چهارم میلادی ویران شده بود و در زمان حمله اعراب، قریه ای کوچک بیش نبوده است .

پس از فتح آذربایجان، گروهی از اعراب در آذربایجان ساکن شدند. در زمان خلافت منصور عباسی (۱۳۶-۱۵۸)، و در حدود سال ۱۳۷ هجری، مردی به نام «رواد» از قبیله «آزد» از قبایل مشهور یمن در تبریز مسکن گزید و پسران او اقدام به ساخت نخستین دیوار شهر کردند. به گفته یاقوت حموی، تبریز قریه ای بود تا آن که رواد از دی در زمان متوکل عباسی به آن درآمد. پس از رواد، پسرش «وجنا» با برادرانش در آن جا قصرها ساختند و گرد شهر دیوار کشیدند. سپس مردم به آن شهر درآمدند. نویسندگانی مانند ابن خردادبه، بلاذری و طبری، تبریز را در بین شهرهای کوچک آذربایجان نام برده اند. در حالی که مقدسی شهر را تحسین کرده و هم عصر او ابن حوقل (حدود ۳۶۷ هجری) تبریز را آبادتر از اغلب شهرهای کوچک آذربایجان می شمارد. این شهر از نیمه اول سده سوم هجری روبه گسترش نهاد و اهمیت آن در منطقه آذربایجان به اندازه ای بود که متوکل عباسی پس از زمین لرزه سخت و ویرانگر تبریز در سال ۲۴۴ هجری، بی درنگ فرمان بازسازی شهر را صادر نمود. تبریز که در دوره فرمانروایی «ابومنصور وهسودان روادی» روبه گسترش و آبادانی نهاده بود، در اثر زمین لرزه سال ۴۳۴ هجری مجدداً به شدت آسیب دید. به طوری که ناصر خسرو که در ۴۳۸ هجری از این شهر دیدن کرده است، مساحت تبریز را ۱۴۰۰ در ۱۴۰۰ گام بیان کرده که بر این اساس به نظر نمی رسد مساحت شهر متجاوز از یک کیلومتر مربع بوده باشد. اعضای خاندان روادیان تا ۴۴۶ هجری با چند وقفه، حاکمان تبریز بوده اند. در این سال طغرل سلجوقی، وهسودان رواد را خراج گزار خود کرد و به گفته ابن اثیر، طغرل در سال ۴۵۰ هجری «مملان بن وهسودان» را به حکمرانی آذربایجان گماشت. الب ارسلان (جانشین طغرل) در ۴۶۳ حملان را از حکومت آذربایجان برکنار نمود و نزدیک به چهارصد سال فرمانروایی خاندان رواد را در این سرزمین پایان داد .

در نوشته های تاریخی از دوران سلجوقی، اشاره های زیادی به تبریز یافت نمی شود. در راحة الصدور آمده که طغرل جشن ازدواج خود را با دختر خلیفه در نزدیکی این شهر برپا ساخت. بعد از وفات سلطان محمود غزنوی (به سال ۵۲۵ هجری) بین داود پسر سلطان محمود و مسعود برادر وی تنشی جهت تصاحب تبریز پیش آمد که در این میان داود پیروز شد و تبریز را مقرر حکومت خود ساخت. آن چنان که از شواهد تاریخی برمی آید از زمان قزل ارسلان (۵۸۷-۵۸۲ هجری) به بعد تبریز برای همیشه پایتخت آذربایجان گردید .

در ابتدای قرن هفتم هجری مغول ها دوبار به تبریز حمله بردند ولی با دریافت غرامت بازگشتند. در سال ۶۲۷ هجری مغول ها در نهایت بر تمام آذربایجان و به خصوص تبریز دست یافتند .

از ایلخانان تا جنبش مشروطه سفینه تبریز؛ از آثار برجسته ادبی دوره ایلخانان که در بین سال‌های ۷۲۱ تا ۷۲۳ هجری توسط ابوالمجد تبریزی در تبریز گردآوری و کتابت شده‌است.

اوج شکوفایی تبریز در زمان ایلخانان بود؛ یعنی زمانی که این شهر پایتخت قلمرویی بود که از نیل تا آسیای میانه گسترده شده بود. تبریز در دوران تیموریان، قراقویونلوها و اوایل سلسله صفویه نیز پایتخت ایران بوده‌است. این شهر به سال ۱۵۰۰ میلادی (۹۰۶ هجری) به تصرف شاه اسماعیل درآمد و نخستین پایتخت ایران جدید در دوره صفویه شد. در این زمان حدود دوسوم جمعیت ۳۰۰-۲۰۰ هزار نفری تبریز سنی‌مذهب بودند و به‌زودی سیاست‌های سختی جهت تحمیل مذهب شیعه بر سنیان تبریز اعمال گردید. نزدیکی این شهر به مرز ایران و عثمانی موجب شد که تبریز در برابر تهدیدهای این حکومت آسیب‌پذیر شود؛ به‌طوری که چندین بار به تصرف عثمانیان درآمد تا این که شاه تهماسب صفوی در سال ۱۵۱۴ میلادی (۹۲۰ هجری) پایتخت را از تبریز به قزوین منتقل نمود. تبریز در دوره قاجار ولی‌عهدنشین این سلسله بود و ولی‌عهدان سلسله قاجار در این شهر اقامت می‌گزیدند.

تبریز در جنبش مشروطه نقشی مهمی برعهده داشت و دلیری و فداکاری کسانی چون ستارخان (سردار ملی)، باقرخان (سالار ملی)، و شیخ‌الاسلام به پیروزی جنبش و گرفتن مشروطه منجر شد. پس از سرکوب مشروطه توسط محمدعلی شاه قاجار تمام حرکت‌های مشروطه‌خواهانه در تهران خاموش شدند؛ اما در تبریز و تنها در چند محله آن، هنوز کسانی بودند که حاضر باشند تا پای جان از این دست‌آورد پاسداری کنند. ستارخان و پیروانش در محله امیرخیز، باقرخان از محله خیابان و مارالان و آرامنه این محله‌ها و حدود یک‌صد داوطلب مسلحی که توسط روشنفکران ارمنی شهر از قفقاز سازماندهی شده بودند، شروع به مقاومت کردند و به تدریج چند محله دیگر نیز به آن‌ها پیوستند. مقاومت آن‌ها در مقابل نیروهای طرفدار محمدعلی شاه، به سرکردگی امام جمعه تبریز و با حمایت طایفه شاهسون و دیگر مدافعان استبداد، ماه‌ها ادامه داشت تا این که در اصفهان و گیلان نیز مردم به پا خواستند و مشروطه‌خواهان با فتح تهران به پیروزی رسیدند. در واقع شروع قیام مشروطه‌خواهان بر علیه استبداد محمدعلی شاهی، از شهر تبریز بوده‌است.

رونق مبادلات تجاری و فرهنگی تبریز و مرکزیت اقتصادی این شهر در طول سده‌ها، به پیشرفت و گسترش نهادهای مدنی و اجتماعی تبریز منجر شده‌است. به‌ویژه در دوران قاجار، تبریز به سبب همجواری با روسیه و عثمانی و نزدیکی این شهر به راه‌های ارتباطی غرب، نقطه آغازین بسیاری از پیشرفت‌ها در سطح کشور بوده‌است. در این دوران بسیاری از جنبش‌های فکری، تحولات اجتماعی، اقتصادی و فنی و بسیاری از نهادهای مدنی پیش از تهران و دیگر نقاط ایران، در این شهر شکل می‌گرفت. بسیاری از اولین‌های تاریخ ایران مانند اولین چاپخانه، اولین

سینمای عمومی، اولین کودکستان و اولین مدرسه کر و لال‌های ایران، ادبیات نوین، نمایشنامه‌نویسی به زبان فارسی و آذری، اولین خیابانی که در ایران دارای برق شد و... در تبریز بوده‌اند.

در سال ۱۳۲۴ خورشیدی فرقه دموکرات آذربایجان با حمایت شوروی سعی در برپایی حکومتی مستقل از دولت مرکزی ایران کرد و تبریز مرکز فعالیت‌های این گروه بود. ولی با بیرون‌رفتن نیروهای شوروی، این فرقه نیز با شکست سختی روبه‌رو شد. سیاست دوران شوروی کمونیستی و استالین موسوم به «دیوار آهنین» و بسته‌شدن مرزهای شمالی ایران در این دوران، ضربه بزرگی به رونق شهر - به‌عنوان مرکز مبادلات منطقه با همسایگان شمالی ایران - وارد نمود. در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ خورشیدی، تظاهرات مردم تبریز به مناسبت چهلمین روز کشته‌شدگان ۱۹ دی ۱۳۵۶ تظاهرات قم به درگیری کشید و معترضین عملاً بیش‌تر نقاط شهر را تسخیر نمودند. در سال‌های نخست بعد از انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷، طرفداران «حزب جمهوری خلق مسلمان ایران»، برخی ناآرامی‌ها را در این شهر پدید آوردند که با دخالت دولت ایران و تعطیلی حزب مذکور، این ناآرامی‌ها خاتمه یافت. تبریز در سال‌های جنگ عراق با ایران نقش بارزی داشت و حضور نیروهای داوطلب از تبریز در آن دوران درخور توجه بود. بنابر آمار رسمی موجود، شمار کشته‌شدگان این شهر در این جنگ بیش از ۴۲۰۰ تن بوده‌است.

# مشاهیر استان

علامه محمدتقی جعفری

تولد: ۱۳۰۴ شمسی - تبریز

وفات: ۲۵ آبان ۱۳۷۷ شمسی

استاد علامه محمد تقی جعفری، فقیه و فیلسوف مشهور، پس از تحصیلات عالیہ علوم اسلامی در شهر تبریز، تهران، قم و نجف اشرف در محضر آیات عظام، میرزا فتاح شهیدی، شیخ محمدرضا تنکابنی، شیخ کاظم شیرازی، سید عبدالهادی شیرازی، سید ابوالقاسم خویی و سید محسن حکیم کسب فیض نمود. تا حال حاضر بیش از هشتاد اثر از آثار استاد به طبع رسیده است که از آثار برجسته ایشان شرح و تفسیر بر نهج البلاغه می باشد که ۲۷ جلد آن به زبان فارسی چاپ و منتشر شده است. چاپ بعضی از آثار ایشان همچون شرح مثنوی در ۱۵ جلد تجدید گردیده و تحت نظارت ایشان و طی ۱۲ سال کامل ترین کشف الابیات مثنوی مولوی در ۴ جلد منتشر شده است.

علامه عبدالحسین امینی (صاحب الغدیر)

تولد: ۱۲۸۱ شمسی - سراب

وفات: ۱۲ تیر ۱۳۴۹ شمسی

شیخ عبدالحسین امینی در اوان جوانی و زمانی که هنوز چند دهه باقی بود تا کتاب "الغدیر" را به رشته تحریر درآورد، از علمای بزرگ و مراجع رده اول اجازه اجتهاد و اجازه روایت دریافت داشت. او در پاکی عمل و اخلاق

اسلامی و صلاح نفس نیز عالمی بود برجسته و ربانی که کمتر کسی بدین مرحله رسیده است. علامه بزرگ سفرهای بسیاری انجام داد و در این سفرها حقایق شیعه را باز می گفت و در پی ایجاد یک اتحاد واقعی و راستین بین مسلمانان بود و چیزی که او را در این کار بسیار یاری می رساند خطابت و سخنرانی بی نظیر او بود. یکی از عمده ترین دلائل تألیف کتاب "الغدیر" ارادت علامه به علی بن ابیطالب (ع) بود او شیفته دریای بیکران ولایت بود و چنان در این دریای بیکران غوطه ور شد که خیال و اهداف دیگری برایش باقی نماند.

علامه سید محمدحسین طباطبایی

تولد: ۱۲۸۱ شمسی - تبریز

وفات: ۲۴ آبان ۱۳۶۰ شمسی

سیدمحمدحسین طباطبایی پس از گذراندن دوره های مقدماتی علوم دینی راهی نجف اشرف شد و دوره های عالی علوم مختلف اسلامی را از برجسته ترین اساتید آن عصر فراگرفت. علامه در سال ۱۳۱۴ شمسی با گنجینه ای از دانش و خرد به زادگاهش بازگشت و در حدود ده سال اقامت در آن دیار، به تأمل و مراقبه و تألیف آثاری چند پرداخت. در ۱۳۲۵ در پی ناآرامی های جنگ جهانی دوم، رهسپار حوزه علمیه قم شد و مرحله ای نو و پربرکت، هرچند دشوار، از زندگی را با تدریس و تحقیق و تألیف آغاز کرد که تا پایان عمرش ادامه یافت. بی شک مهم ترین اثر علامه طباطبایی و به اعتقاد برخی مهم ترین اثر شیعی در قرن چهارده هجری قمری، کتاب بیست جلدی المیزان فی تفسیر القرآن است که گنجینه ای از علوم و معارف مختلف عقلی، نقلی و معنوی است.

سیدعلی آقا قاضی تبریزی

تولد: ۱۲۸۵ قمری - تبریز

وفات: ۱۳۶۶ قمری - نجف

حاج سید علی آقا قاضی فرزند حاج سید حسین قاضی، پس از تحصیل علوم ادبی و دینی در تبریز، در سن ۲۸ سالگی به نجف اشرف مشرف شد و تا آخر عمر آن جا را موطن اصلی خویش قرار داد. او پس از اقامت در نجف



اشرف، تحصیلات حوزوی خود را نزد اساتیدی از جمله فاضل شریانی، شیخ محمد مامقانی، شیخ فتح الله شریعت، آخوند خراسانی و... ادامه داد و سرانجام کوشش های خستگی ناپذیرش در راه کسب علم، کمال و دانش، در سن ۲۷ سالگی به ثمر نشست و این جوان بلند همت در عنفوان جوانی به درجه اجتهاد رسید. میرزا علی آقا قاضی پس از سال ها تدریس معارف اسلامی، در روز دوشنبه چهارم ماه ربیع المولود سال ۱۳۶۶ قمری مطابق هفتم بهمن ماه در نجف اشرف وفات کرد و در وادی السلام نزد پدر خود دفن شد.

میرزا جواد آقا ملکی تبریزی

آیت الله حاج میرزا آقا ملکی تبریزی در خانواده ای با تقوا و پارسا در تبریز به دنیا آمد. حاج میرزا جواد آقا در آن هنگام که به تحصیل علوم اسلامی در نجف مشغول بود از تربیت و اصلاح خویش غافل نبود و به تهذیب نفس نیز اهتمام نمود و آن را سرلوحه زندگی خویش قرار داد. او پس از عمری خدمت به شرع مطهر و پرتو افشانی در حوزه های علمیه نجف، تبریز و قم و تربیت شاگردانی صاحب کمال و تألیف کتبی گران سنگ چون اسرار الصلاه، رساله لقاء الله و المراقبات و رسیدن به آرزوی دیرینه خود که فتح قله معرفت و توحید بوده در یازدهم ذی الحجه ۱۳۴۳ قمری مصادف با عید قربان در حدود سن ۶۵ سالگی در شهر مقدس قم رحلت کرد و پس از غسل و نماز، در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده شد.

شهید آیت الله قاضی طباطبایی (اولین شهید محراب)

تولد: ۱۲۹۲ شمسی

وفات: ۱۰ آبان ۱۳۵۸ شمسی

آیت الله سید محمدعلی قاضی طباطبایی مراحل تحصیل علوم دینی را تا مرتبه اخذ اجازه اجتهاد در تبریز، قم و نجف گذراند. او در دوران مرجعیت و زعامت حضرت امام خمینی (ه) تنها نماینده تام الاختیار ایشان در تبریز بوده و بعد از پیروزی انقلاب از طرف امام به سمت امام جمعه تبریز منصوب شد و اولین نماز جمعه را در این شهر بزرگ برپا کرد. او همچنین کمیته های انقلاب اسلامی آذربایجان شرقی و غربی را تشکیل داد. شهید قاضی در روز

عید قربان سال ۵۸، بعد از اقامه نماز مغرب و عشاء در راه مراجعت به منزل توسط عوامل گروه فرقان در خیابان مورد اصابت گلوله‌های ناجوانمردانه قرار گرفت و به دلیل جراحات وارده به شهادت در راه اسلام نایل شد.

شهید آیت‌الله سید اسدالله مدنی

تولد: ۱۲۹۳ شمسی (دهخوارقان آذرشهر)

وفات: ۲۰ شهریور ۱۳۶۰ شمسی

سید اسدالله مدنی پس از تحصیل علوم دینی در تبریز و قم به نجف اشرف مهاجرت کرد و در اندک زمان، جزو اساتید معروف حوزه علمیه نجف به شمار آمد. او مبارزه سیاسی و اجتماعی خود را از دوران تحصیل در شهر قم آغاز کرد و پس از به ثمر رسیدن قیام خونین ملت ایران به رهبری امام خمینی، فصل دیگری از مبارزات خود را برای حفظ و حراست و پاسداری از انقلاب شکوهمند اسلامی آغاز کرد. آیت‌الله مدنی، در سر و سامان دادن به اوضاع سیاسی و اجتماعی تبریز تلاش مخلصانه‌ای کرد و پس از شهادت آیت‌الله قاضی طباطبایی امام جمعه تبریز، به نمایندگی حضرت امام(ره) و امامت جمعه شهر تبریز منصوب شد. او در تقویت روحیه رزمندگان اسلام نقش بسزایی داشتند و با شرکت خود در جبهه نبرد و حضور در کنار سپاهیان اسلام و شرکت در مجالس دعا و نیایش آنان، مشوق برای رزمندگان اسلام بود. آیت‌الله مدنی سرانجام در بیستم شهریور ۱۳۶۰ پس از اتمام خطبه‌های نماز جمعه، به دست منافقی کوردل و با انفجار نارنجک به شهادت رسید.

شهید حسن شفیع‌زاده

تولد: ۱۳۳۶ شمسی - تبریز

شهادت: ۸ اردیبهشت ۱۳۶۶ شمسی - عملیات کربلا ۱۰

حسن شفیع‌زاده تحت تربیت پدر و مادری مؤمن، متدین و مقلد امام پرورش یافت و از همان کودکی عشق خدمتگزاری به آستان شهید پرور حضرت اباعبدالله(ع) در عمق وجودش ریشه دوانید. او با شور وصف ناپذیری در روزهای سرنوشت ساز ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ تلاش می کرد و برای به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی از هیچ کوششی فروگذار نبود. شفیع‌زاده بعدها به دنبال تشکیل سپاه، در پی‌ریزی اولین هسته های مسلح سپاه فعال بود و هنگامی که به همراه شهید باکری در سپاه ارومیه انجام وظیفه می کرد به عنوان مسئول عملیات برای ایجاد امنیت آن منطقه، در درگیری های متعدد برای سرکوبی گروه های فاسد تلاش شبانه روزی نمود. با شروع جنگ

تحمیلی و محاصره آبادان، با یک دسته خمپاره انداز که تحت مسئولیت شهید باکری اداره می شد به جبهه های جنوب شتافت. شهید شفیع زاده در منطقه عملیاتی کربلای ۱۰ در شمالغرب (منطقه عمومی ماووت) در حالی که عازم خط مقدم جبهه بود، خودروی وی مورد اصابت ترکش گلوله توپ دشمن فرا گرفت و به آرزوی دیرینه خود نایل شد و به دیدار معشوق شتافت.

شهید مرتضی یاغچیان

تولد: ۱۳۳۵ شمسی - تبریز

شهادت: ۱۳۶۲ شمسی - عملیات خیبر

مرتضی یاغچیان در دوران خدمت سربازی در رژیم پهلوی، به دنبال فرمان امام خمینی (ره) مبنی بر فرار سربازها از پادگان ها، از پادگان گریخت و در تظاهرات و عملیات علیه رژیم شرکت جست. او پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از اولین افرادی بود که به عضویت سپاه تبریز درآمد و از آغاز در مسئولیت های مهم به انجام وظیفه پرداخت. در شهریور ۱۳۵۹، با شروع جنگ، راهی جبهه شد و در طی جنگ دچار تحول روحی عظیمی شد. پنج بار مجروح شد ولی هیچ کدام از مجروحیت ها باعث نشد تا جبهه را رها کند. در عملیات خیبر در پی شهادت حمید باکری، مهدی باکری به خاطر سختی عملیات و پاتکهای مکرر دشمن از مرتضی یاغچیان خواست در مقابل حملات ایستادگی نماید و یاغچیان نیز با رشادت در مقابل حمله دشمن پایداری کرد. شهادت مرتضی یاغچیان را با بی سیم به مهدی باکری خبر دادند. پیکر شهید یاغچیان پس از عملیات در منطقه جا ماند و تا سال ۱۳۷۵ مفقودالاین بود تا اینکه در این سال در پی جستجوی گروه های تفحص، بقایای پیکرش کشف شد و در وادی رحمت تبریز آرام گرفت.

شهید علی تجلایی

تولد: ۱۳۳۸ شمسی - تبریز

شهادت: ۲۵ اسفند ۱۳۶۳ - عملیات بدر

علی تجلایی از سال ۱۳۵۶ فعالیت‌های مبارزاتی خود را آغاز نموده، پس از مدتی توسط ساواک دستگیر شد. در سال ۱۳۵۸ وارد سپاه پاسداران شد و به عنوان مربی آموزش پادگان سید الشهداء (ع) انجام وظیفه نمود. برای مبارزه با نیروهای ضد انقلاب به کردستان رفته، سپس در مهاجرت به افغانستان، اولین مرکز آموزش فرماندهی مجاهدین افغانی را در داخل کشور افغانستان تأسیس نمود. با شروع جنگ تحمیلی به ایران بازگشت و در نبرد دهلاویه و حماسه سوسنگرد با عنوان فرمانده عملیات و معاون عملیاتی سپاه شرکت کرد. در طول سالهای جنگ تحمیلی و در جبهه‌های پیرانشهر در عملیتهای بسیاری شرکت نمود و مسئولیتهای مختلفی را بر عهده گرفت. او به عنوان مسئول طرح و عملیات قرارگاه خاتم (ص) در شرق دجله و در عملیات بدر، بر اثر اصابت تیر به ناحیه قلب، به ملکوت سرخ شهادت رسید.

جبار باغچه بان

تولد: ۱۲۶۴ شمسی - ایروان (قفقاز)

وفات: ۴ آذر ۱۳۴۵ شمسی

باغچه‌بان مبدع روش آموزش ناشنوایان در ایران و پایه‌گذار آموزش و پرورش پیش از دبستان و از پیشگامان فرهنگ و ادبیات کودکان است. پدر و جد وی از اهالی تبریز بودند. باغچه‌بان تعلیم و تربیت زنان و کودکان را مهم می‌شمرد و به رغم مخاطرات موجود، پنهانی به تدریس سرخانه دختران می‌پرداخت. از اولین آثار او برای کودکان داستانهایی منظوم « قیزیلی یپراق » (برگ زراندود) و «بایرامچیلیق» (مژده‌رسانی عید) است. همچنین در روش‌های تدریس خواندن و نوشتن و آموزش ناشنوایان، سیزده اثر از وی منتشر شده‌است. آثار او به زبان ترکی بالغ بر دوازده کتاب است که از آن میان، ترجمه رباعیات خیام، به نام رباعیات آذری خیام، ارزش خاصی دارد. رباعیات باغچه‌بان، که در ۱۳۳۷ به چاپ رسید، آینه افکار و فلسفه زندگی اوست.

پروفسور رحیم رحمان‌زاده

پروفسور رحیم رحمان‌زاده پایه‌گذار جراحی مدرن ارتوپدی و تروماتیک ارتوپدی در سطح بین‌المللی و رئیس مرکز بین‌المللی جراحی مفاصل و استخوان برلین، اصالتاً آذربایجانی و متولد شهرستان شبستر است. وی در ۱۸

سالگی به ترکیه رفت و تحصیلات پزشکی عمومی خود را در استانبول ترکیه گذراند. پس از آن برای تکمیل تحصیلات تخصصی خود در رشته جراحی عمومی و جراحی تصادفات ارتوپدی راهی آلمان شد. رحمان زاده در دانشگاه ماینز به مقام پروفیسوری نایل آمد و از سال ۱۹۷۳ ریاست کرسی جراحی دانشگاه برلین را برعهده گرفت. او به عنوان پایه گذار جراحی مدرن ارتوپدی، تکنیک‌های جراحی خاص در این رشته را ابداع کرد. پروفیسور رحمان زاده در حال حاضر به عنوان پرزیدنت سمینارهای اروپایی و جهانی مقام پرزیدنتی جمعیت جراحان ارتوپدی تصادفات و سوانح، جمعیت جراحان پلاستیک آلمان و جمعیت جراحان عمومی این کشور را نیز برعهده دارد. این همه در حالی است که تاکنون هیچ تبعه خارجی موفق نشده است به این مدارج علمی در کشور آلمان دست یابد.

پروفیسور محسن هشترودی

تولد: ۱۲۸۶ شمسی - تبریز

وفات: ۱۳ شهریور ۱۳۵۵ شمسی - تهران

محسن هشترودی از ریاضی‌دانان معاصر ایران بود که در مدرسه دارالفنون در تهران تحصیل، و مدرک دکترای خود را در ریاضیات از دانشگاه سوربن در فرانسه دریافت کرد. پس از بازگشت به تهران، مقام استادی دانشسرای عالی، ریاست دانشگاه تبریز و ریاست دانشکده علوم دانشگاه تهران را عهده‌دار بود. پروفیسور هشترودی مهارت زیادی در بیان اصول و پدیده‌های علمی و فناوری‌های جدید به زبان ساده داشت و با نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود می‌توانست با قشر بزرگی از جامعه ارتباط برقرار کند و مفاهیم اصلی دانش و فناوری را به آنان منتقل نماید. تخصص پروفیسور هشترودی در زمینه هندسه دیفرانسیل بود. مهمترین اثر علمی نگاشته شده توسط محسن هشترودی، پایان‌نامه دکترای او در زمینه هندسه دیفرانسیل است، که در آن یکی از مدل‌های ریاضی استادش (کارتان) را تعمیم داد که امروزه به نام «اتصال هشترودی» شناخته می‌شود. جدای از پژوهش علمی، پروفیسور هشترودی به عنوان یک متفکر منتقد و ریاضیدان نامدار ایرانی، دارای اهمیت نمادین و شخصیتی اثرگذار در جامعه علمی معاصر ایران بوده است.

میرزا حسن رشديه

میرزا حسن تبریزی (۱۲۳۰ تبریز - ۱۳۲۳ قم) مشهور به رشديه از پیشقدمان نهضت فرهنگي ایران در سده قبل بود. وی نخستین مؤسس مدارس جدید در تبریز و تهران بود، او را پدر فرهنگ جدید ایران نامیده‌اند. حاجی میرزا حسن رشديه با توصیه و مشورت پدرش که از روحانیان بود تصمیم گرفت که به جای رفتن به نجف و خواندن درس طلبگی روانه استانبول و مصر و بیروت گردد و آموزگاری نوین را یاد بگیرد. او به بیروت رفت و در آن جا سبک نوین آموزش الفبا و دروس جدید مانند حساب و هندسه و تاریخ و جغرافیا را آموخت. وی تالیفات متعدد دارد از جمله: *بداية‌التعلیم، نهایة‌التعلیم، وطن دیلی (به ترکی آذربایجانی)، تاریخ شفاهی، شرعیات ابتدایی، جغرافیای شفاهی.*

#### محمدعلی تربیت

میرزا محمدعلی خان تربیت (۶ خرداد ۱۲۵۶، نوبر تبریز - ۲۷ دی ۱۳۱۸) روزنامه‌نگار و دولت‌مرد ایرانی، مؤسس کتابخانه تربیت، از آزادی‌خواهان و روشنفکران آذربایجان و از فعالان انقلاب مشروطه. تربیت در هشتمین دوره مجلس شورای ملی (۱۳۰۹) به نمایندگی از طرف مردم تبریز انتخاب شد و در دوره‌های نهم تا دوازدهم نیز همین مقام را داشت. محمدعلی تربیت در ۲۷ دی ۱۳۱۸ در تهران درگذشت.

#### پروفسور محمود آخوندی

تولد: ۱۳۱۲ شمسی - اهر

محمود آخوندی نخستین پروفسور حقوقی ایران است و جایگاه او در «حقوق» ایران زمین یکتاست. نظرات او نوین و نقدهایش علمی است. در اغلب رخدادهای مرتبط با حقوق شهروندی، نشریات معتبر نظرات او را منعکس می‌کنند. اثر معتبر و معروف او به نام «آیین دادرسی کیفری» کتاب اول «حقوق» است. پروفسور آخوندی دکترای حقوق خود را از دانشگاه سوئیس اخذ کرده و سوابق علمی و اجرایی پربار و درخشانی دارد.

استاد سید محمد حسین بهجت تبریزی (شهریار)

تولد: ۱۲۸۵ شمسی - روستای خشکناپ

وفات: ۲۷ شهریور ۱۳۶۷ شمسی

سید محمد حسین بهجت تبریزی در روستای خشکناپ در بخش قره چمن آذربایجان متولد شد. پدرش حاجی میر آقا خشکنابی و از وکلای مبرز و مردی فاضل و خوش محاوره و از خوش نویسان دوره خود و کریم الطبع بود. او در اوایل شاعری بهجت تخلص میکرد و بعداً دوباره با فال حافظ تخلص خواست که دوبیت شاهد از دیوان آمد و خواجه تخلص او را شهریار تعیین کرد. او تحصیلات خود را در مدرسه متحده و فیوضات و متوسطه تبریز و دارالفنون تهران گذراند و تا کلاس آخر مدرسه طب تحصیل کرد و به مدارج بالایی دست یافت. استاد شهریار پس از هشتاد و سه سال زندگی شاعرانه پربار و افتخار در ۲۷ شهریور ماه ۱۳۶۷ به ملکوت اعلی پیوست و پیکرش در مقبره الشعرا تبریز که مدفن بسیاری از شعرا و هنرمندان آن دیار است به خاک سپرده شد.

#### پروین اعتصامی

پروین اعتصامی شاعر گرانمایه ایران در سال ۱۲۸۵ خورشیدی در تبریز تولد یافت. ادبیات فارسی و عربی را با مهارت هر چه تمام در نزد پدر آموخت. استعداد و قریحه لبریز او از هفت سالگی بروز کرد. این شاعر معاصر با آن که از وی دعوت شد با طبعی بلند ورود به دربار را نپذیرفت و مدال وزارت معارف ایران را رد کرد. اشعار وی بیشتر در مورد مسایل اجتماعی و ظلم و بیداد شاهان و فقر عمومی می باشد. پروین در سال ۱۳۲۰ و در سن ۳۵ سالگی، رخ در نقاب خاک کشید.

#### سید ابوالقاسم نباتی

نباتی زاده سال ۱۱۹۱ هجری در روستای اوشتبین از توابع شهرستان جلفا است. او حدود هفتاد سال عمر کرد و در سال ۱۲۶۲ هجری درگذشت. او شاعری عارف و استادی ماهر است که هم‌تراز غزلیات حافظ و رباعیات خیام شعر سروده است. جمع اشعار به‌جامانده از نباتی به پنج هزار بیت بالغ می‌گردد که تقریباً نصف آن فارسی و نصف دیگر ترکی است. اشعار نباتی در جمهوری آذربایجان و قفقاز و ترکیه و ایران طرفداران بسیاری دارد.



## صائب تبریزی

پدر صائب از کسانی است که در سال ۱۰۱۷ که شاه عباس به تبریز آمده طبق دستور او از تبریز کوچید و در عباس‌آباد اصفهان ساکن گردید. صائب از ایام کودکی در اصفهان تحصیل علوم گوناگون را وجهه همت خود قرار داد و مدارج عالی کمالات را طی نمود و آثار پربهایی به فارسی و ترکی از خود به یادگار گذاشت.

## اوحدی مراغه‌ای

رکن الدین ابولحسن مراغی مشهور به اوحدی مراغه‌ای عارف و شاعر پارسی‌گوی نامدار و صاحب مثنوی معروف جام جم، در مراغه زاده شد. او معاصر ایلخان مغول سلطان ابوسعید بود و آرامگاه او نیز در مراغه در میان باغ سرسبزی واقع شده است.

## شیخ محمود شبستری

شیخ سعدالدین محمود بن امین الدین عبدالکریم بن یحیی شبستری از عرفا و شعرای نامی قرن هفتم و هشتم هجری است. او در قرن ۷ و ۸ هجری و در عصر حکومت ایخلخانان می‌زیسته است. شبستری در سال ۷۲۰ هجری در ۳۳ سالگی وفات یافته و در شبستر مدفون شد.

## همام تبریزی

قدوة العلماء و المشايخ هماد الدين محمد تبريزي ازمفاخر ساحت ادبيات آذربايجان است كه از منصب و مال به كلي اعراض نموده و در سال ٧١٤ هجري در سن ١١٦ سالگي بدروء حيات گفت. هماد در مقبره الشعراي تبريز به خاك سپرده شده است.

### حكيم قطران تبريزي

قطران در قريه شادباد تبريز پا به عرصه هستي نهاد و در تبريز به تحصيل علم و كمالات همّت گماشت. اين حكيم و عارف نامي به سال ٤٦٥ از دار فاني رخت بريست و در مقبره الشعراي سرخاب تبريز مدفون است.